

# انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۱۹

جمعه ۱۶ تیر ۱۳۹۶، ۷ جولای ۲۰۱۷

## بحران و تناقضات درونی رژیم

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی

صفحه ۲  
محمود احمدی: کشمکش و اختلافات جناحهای حکومت بعد از انتخابات به اشکال گوناگون ادامه یافته است. محسنی از ای معاون اول قوه قضائیه در روز نهم تیرماه در خطبه‌های نماز جمعه با مقایسه فضای این روزها با سال شصت در دوره بنی صدر و سالهای ۷۸ و ۸۸ هشدار داد که فتنه جدیدی در راه است. قبل از آن شعارهایی علیه روحانی در راهپیمایی روز قدس داده شده بود از جمله شعار "روحانی بنی صدر

## جایگاه مجاهدین در تحولات سیاسی ایران

مصاحبه کانال جدید با علی جوادی

نگاه روز: گردهمایی سالانه سازمان مجاهدین - اول ژوئیه، ۱۰ تیر، با حضور تعدادی از چهره‌های سیاسی از کشورهای مختلف از جمله رودی جولیان، شهردار سابق نیویورک و مشاور غیررسمی دونالد ترامپ و همچنین ترکی فیصل، رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان سعودی، در پاریس پایتخت فرانسه برگزار شد. نظر علی جوادی را در باره این نشست و پیامدهای سیاسی آن جویا می‌شویم.  
نگاه روز: نشست سالانه سازمان مجاهدین پرسر و صدا، پر زرق و برق و پر

صفحه ۴



کاظم نیکخواه  
فستیوال  
گلاستونبری و  
عروج سریع  
چپ در  
انگلستان

فستیوال موزیک بسیار شناخته‌شده برگزار میشود. اما امسال ویژگی شده در انگلستان است که هر سال این فستیوال که همه از آن حرف می‌زنند، با مسدود کردن و محاصره راههای منتهی به ارگ ریاست

صفحه ۵



سیامک بهاری

جنبش‌های  
اعتراضی در  
افغانستان

تظاهرات خیابانی برای دادخواهی از سوی جنبش "رستاخیز تغییر" در برابر حکومت وحدت ملی در جامعه و در رسانه‌ها و مدیای اجتماعی انعکاس وسیعی یافت. صف معترضین سوار بر اتومبیل و حمل پرچم افغانستان، با بوق زدن و سردادن شعارهایی، مطالبات خود را مطرح کردند. در مقابل نیروهای امنیتی در شهر کابل این بار با احتیاط بیشتر، با مسدود کردن و محاصره راههای منتهی به ارگ ریاست

صفحه ۶

## کارگران مخابرات گام تازه ای به جلو برداشتند

روزهای دهم و یازدهم تیرماه کارگران شرکتی مخابرات در بسیاری از شهرهای استان‌های لرستان، خوزستان، فارس، مازندران، کرمان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و همدان همزمان دست به تجمعات اعتراضی در مقابل ساختمان‌های مخابرات زدند و خواهان عقد قرارداد مستقیم و تامین امنیت شغلی خود شدند. طبقه بندی

صفحه ۹

## کارگران هپکو بار دیگر به

میدان میایند

صفحه ۹

ویژگی‌های کمونیسم منصور حکمت

مصاحبه با حمید تقوایی بمناسبت پانزدهمین

سالگرد درگذشت منصور حکمت به شکل ضمیمه

انترناسیونال این شماره منتشر میشود!

## کارکنان پیمانی مخابرات در تدارک اعتصاب سراسری و گسترده هستند

شهلا دانشفر



روابط عمومی مخابرات: اگر اعتراضات ادامه یابد ناگزیر تعداد بسیاری

صفحه ۱۰

## شهلا دانشفر کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۷

هفته ای که گذشت، هفته ای پرتحرک در جنبش اعتراضی کارگری بود. دور جدید اعتراضات کارگران هپکو، اعتراضات سربالی کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه، تجمع سراسری معلمان آزاد شاغل در بخش غیر دولتی از جمله سرتیترهای مهم آنست که در زیر میخوانید.  
دور جدیدی از اعتراض کارگران هپکو حدود ۹۰۰ کارگر کارخانه ماشین سازی هپکو اراک، روزهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ تیر در اعتراض به عملی نشدن وعده

کارفرما مبنی بر پرداخت مطالبات چهار ماه و نیم دستمزد و دیگر طلبهایشان، دور جدید اعتراضات خود را آغاز کردند. کارگران به نشانه اعتراض به محقق نشدن وعده پرداخت مطالباتشان از سوی کارفرما، فاصله محل کارخانه تا ساختمان

## بحران و تناقضات درونی رژیم

از صفحه ۱



پیوندتان مبارک، " مرگ بر آخوند آمریکائی" و شعارهای دیگر از این قبیل. یک موضوع تازه مورد اختلاف اینست که آیا ولی فقیه مشروعیت خود را از خدا و اسلام میگیرد و یا از مردم. این کشمکش در اشکال مختلف ادامه دارد و رروزیروز بیشتر تشدید میشود.

در برنامه امروز پرسش ما با حمید تقوایی در مورد تخصصات جناحهای حکومتی گفتگو میکنیم. با این سؤال شروع میکنیم که چرا ابعاد تخصصات و کشمکشها میان جناحهای حکومتی گسترش پیدا کرده و نسبت به گذشته شدیدتر شده است؟

**حمید تقوایی:** علت در تحلیل نهائی تضعیف موقعیت کل حکومت در جامعه است. همانطور که شما هم اشاره کردید در شرایط حاضر دعوای جناحها بطور بیسابقه ای حاد شده است. بویژه بعد از انتخابات موضوعات بیشتری مورد دعا و کشمکش است و مقابله جناحها خیلی صریح تر و مستقیم تر و آشکارتر شده است. مثلا خامنه ای خطاب به گله های حزب الله و نیروهای طرفدارش اعلام میکند که شما "آتش به اختیار" هستید و جناح مقابل نه تنها ساکت نمیشود و تمکین نمیکند بلکه، صریحا پاسخ میدهد که این امری دوطرفه است.

یعنی ما هم، لباس شخصی های خودمان را داریم و اگر بخواهید تعرض کنید، جوانان را میدهیم. حتی طرفداران روحانی، بعنوان موردی که نیروهای آتش به اختیارشان میتوانند وارد عمل شوند، به مساله "حصر خانگی افراد بدون مجوز قانونی" اشاره میکنند! خیلی روشن و صریح دارند علیه یکدیگر شاخ و شانه میکنند.

اما به نظر من، ویژگی شرایط حاضر، صرفا تشدید کشمکشهای جناحی نیست. موضوع مهمتر اینست که خامنه ای و جناح

است، رئیس جمهور عملا اعتبار خود را از مخالفت با ولی فقیه کسب میکند. در انتخاباتهای اخیر، در دوره ریاست جمهوری و انتخابات مجلس خبرگان و شورای اسلامی، آن کاندیدی که مورد حمایت مستقیم و علنی خامنه ای بود، رای نیاورد.

به این معنا، انتخاباتها عملا تبدیل شده است به نوعی رفراندوم علیه رهبر نظام. روشن است و ماهمیشه تاکید کرده ایم، که انتخاباتهای جمهوری اسلامی با هیچ معیاری انتخابات نیست، کوچکترین موازین و استانداردهای یک انتخابات متعارف و حتی تا اندازه ای آزاد و دموکراتیک در آنها رعایت نمیشود. ولی در عین حال، آنچه به اسم انتخابات در ایران برگزار میشود یک تحول سیاسی است، و نه یک نمایش آنطور که مثلا در زمان شاه بود. انتخابات در جمهوری اسلامی نه یک نمایش و بازی است و نه اساسا با هیچ معیاری انتخابات است، ولی یک تحول سیاسی است. تحولی که نشان میدهد از یکسو، رژیم در جامعه چه موقعیتی دارد، و از سوی دیگر، توازن قوا میان جناحهای حکومتی چگونه است.

انتخاباتهای اخیر نشاندهنده اینست که جامعه بر عکس نظر و موضع خامنه ای عمل میکند. باختر داشته باشید که در انتخابات مجلس خبرگان در دو سال قبل هیچیک از کاندیداهای مورد حمایت خامنه ای و اصولگرایان رای نیاورد. در عوض لیستی در تهران انتخاب شد که، خامنه ای صریحا علیه شان موضع گرفته بود و حتی آنها را جاسوسان انگلیس و بی بی سی خوانده بود. این یک نه بزرگ به خامنه ای بود. بخش وسیعی از مردم در این باصطلاح انتخاباتها شرکت نمیکند ولی، بخش اعظم کسانی هم که شرکت میکنند، باصطلاح "سلبی" رای میدهند. میخوانند دماغ خامنه ای و جناح مورد حمایتش را به خاک بمالند. مردم میدانند خامنه ای یک جناح نیست بلکه رهبر و نماد و مظهر جمهوری اسلامی است. بقول خود حکومتی ها "عمود خیمه نظام" است. و مخالفت با خامنه ای یعنی مخالفت با کل نظام. همانطور

که در رژیم سلطنتی مخالفت با شاه به معنی مخالفت با کل سیستم است. در خود حکومت، موقعیت تضعیف شده خامنه ای به معنی دست بالا پیدا کردن جناح روحانی است. و بهمین دلیل طرفداران روحانی چنین بی پروا و صریح و مستقیم در برابر خامنه ای و جناح اصولگرا ایستاده اند.

**محمود احمدی:** این وضعیت کاملا ویژه است. اگر با دوره گذشته بعنوان نمونه دوره خاتمی این شرایط را مقایسه کنیم خاتمی در برابر تعرض خامنه ای همیشه پس می نشست و عملا تابع میشد. ولی الان روحانی علیه دولت با تفنگ صحبت میکند و در واقع موقعیت سپاه پاسداران را بزرگ سؤال میبرد. ظاهرا کسی که خودش رئیس دولت است بعنوان اپوزیسیون در مقابل نهادهای حکومت قرار میگیرد. این را چطور توضیح میدهند؟

**حمید تقوایی:** این یکی از پارادوکسها و تناقضات حکومت است. ما همیشه از دعوای و کشاکش جناحها صحبت کرده ایم ولی امروز این دیگر حق مطلب را ادا نمیکند. همان طور که بالاتر توضیح دادم مساله حکومت اساسا تضعیف رو به افزایش خامنه ای و هم در دل جامعه و در میان مردم، این شرایط جمهوری اسلامی را با یک تناقض ساختاری مواجه کرده است. از یکسو خامنه ای و جناح اصولگرا اهرمهای اصلی قدرت را در دست دارند. نیروهای مسلح، ارتش و سپاه و بسیج و غیره تماما تحت کنترل آنهاست، سیاست خارجی چه در منطقه و چه در سطح جهانی بوسیله آنها تعیین میشود، قوه قضائیه در دست آنها است. در مجلس دست بالا دارند، رسانه های رسمی حکومتی تماما تابع آنها است، حتی چهل درصد اقتصاد تحت کنترل سپاه و بسیج است که وابسته به جناح خامنه ای است. یعنی قدرت بطور واقعی در دست خامنه ای و جناح اصولگرا است. اما از سوی دیگر دولت و کابینه از این جناح نیست. این یک تناقض ویژه جمهوری اسلامی

است. در دیگر کشورها چه از نوع دیکتاتوریهایی باصطلاح جهان سومی و چه کشورهای غربی چنین تناقضی وجود ندارد. در همه این کشورها کابینه و قدرت اجرایی با قدرت واقعی احزاب یا جناحها منطبق است. مثلا در دیکتاتوری سلطنتی زمان شاه هم قوه مجریه و دولت به معنی اخص کلمه تابع و در دست شاه بود و هم مجلس و ارتش و سایر ارگانهای حکومتی. امروز هم در اردن و ترکیه و مصر و عربستان همین وضعیت هست. در کشورهای غربی نیز این انطباق بین کابینه دولت و سایر نهادهای حکومتی وجود دارد. اما جمهوری اسلامی از این لحاظ استثناست. در ایران قدرت واقعی در دست جناحی است که نمیتواند دولت به معنی اخص قوه مجریه و راس قدرت اجرایی را تشکیل بدهد.

چرا نمیتواند؟ علتش این نیست که نمیخواهد و یا توطئه و توافق و ساخت و پختی در کار هست. علت را باید اساسا در رابطه حکومت با جامعه جستجو کرد و نه در مناسبات میان جناحها. علت اینست که همانطور که اشاره کردم خامنه ای و جناح اصولگرا چنان در نزد مردم منفور است که نمیتواند دولت را در دست بگیرد و جامعه، بهم نریزد. در سال ۸۸ این کار را کردند و نتیجه اش را هم دیدند. فعلا و تا اطلاع ثانوی جناح مسلط حکومت، ناگزیر است به رئیس جمهور و کابینه جناح مقابل رضایت بدهد.

اما مساله با این رضایت از سر ناچاری حل و فصل نمیشود. ممکن است خامنه ای نهایتا ناگزیر بشود دست به کودتا بزند اما، در این صورت هم، به شکل دیگری جامعه بهم خواهد ریخت و آینده و بقای حکومت تماما بزیر سؤال خواهد رفت.

از نقطه نظر جناح روحانی نیز، رضایت دادن خامنه ای کافی نیست. جناح روحانی میبیند که دولت دردست اوست ولی قدرتی ندارد. در همان اظهار نظر در مورد دولت با تفنگ منظور روحانی این بود که اقتصاد در دست سپاه است و کار زیادی از دست او بر نمی آید. یکی از مقامات دولتی - رئیس سازمان میراث فرهنگی - اخیرا

اظهار کرده است که باید توزیع قدرت با رای مردم متناسب باشد. منظورش به سادگی اینست که ریاست جمهوری در دست ما است ولی قدرت در دست ما نیست و رئیس جمهور باید قدرت بیشتری داشته باشد.

جناح مقابل میخواهد برعکس، کرسیها و پستها را با قدرت واقعی منطبق کند. در واقع، هر یک از جناحها تلاش میکند این تناقض را به نفع خود حل کند. جناح روحانی خواهان در دست گرفتن اهرمهای قدرت بیشتری است و جناح خامنه ای میخواهد ریاست جمهوری و کل قوه مجریه را داشته باشد. این کشمکش در نهایت بر سر تفوق و قدرت بیشتر در حکومت است چون، هر جناح تصور میکند کلید نجات و بقای کل نظام در مقابله با "فتنه هائی" که در راه است، در دست اوست.

در هر حال این ناخوانائی میان قدرت واقعی و رسمی در جمهوری اسلامی بیانگر یک تناقض پایدار در ساختار حکومتی رژیم و به نظر من نمود دیگری از غیر متعارف بودن نظام جمهوری اسلامی است که، ما همیشه بر آن تاکید داشته ایم.

**محمود احمدی:** این کشمکش چقدر میتواند ادامه پیدا کند؟ آیا نهایتا به حذف یک جناح منجر خواهد شد؟

**حمید تقوایی:** به نظر من این امکان ندارد. ببینید بحث ما همیشه این بوده است که دو جناح لازم و ملزوم یکدیگر اند و بقول خامنه ای مثل "دو بال نظام" عمل میکنند. یعنی هر جناح برای حفظ خود در قدرت به دیگری محتاج و وابسته است. جمهوری اسلامی بر مبنای همین کشمکش و تناقض میتواند زنده بماند. حل این تناقض یعنی پایان جمهوری اسلامی.

امروز اینطور به نظر میرسد که جناح خامنه ای دولت را بطور فرمال بدست جناح مقابل داده است، آنرا در جلوی صحنه و در ویتترین قرار داده است ولی، عملا اهرمهای قدرت واقعی را خود در دست دارد. این نوعی تقسیم کار دوقلو برای سرپا نگهداشتن حکومت جمهوری اسلامی به نظر میرسد. به این معنی، این ها هنوز،

بعنوان دویال نظام عمل میکنند. جامعه را به انتخاب میان بد و بدتر میکشاند و با این شیوه حکومتشان را سر پا نگهدارند. این جنبه ای از واقعیت هست اما، تمام حقیقت نیست. جنبه دیگر اینست که برآیند این عملکرد جناحها، به تضعیف کل نظام منجر میشود. این برای کل حکومت یک روندی ماریجی نزولی است و نه حرکتی تکراری روی یک دایره بسته. بعنوان مثال، در دوره خاتمی و در اوج مقابله جناحها در آن دوره، تعرض مردم در سطح جامعه از "بد حجابی" فراتر نمیرفت، امروز بی حجابی عملا در جامعه گسترش پیدا کرده است و حتی، علنا یک حرکت توده ای تحت عنوان چهارشنبه های سفید و یا چهارشنبه های بدون حجاب برافزوده است و کار چندانی هم از حکومت ساخته نیست.

میخوامم بگویم در عین اینکه کشمکشهای جناحی نوعی مناسبات و تقسیم کار عملی میان جناحها حکومتی ایجاد میکند و به حکومت اجازه میدهد به حیات خودش ادامه بدهد در عین حال برآیند کل این روند تضعیف هر چه بیشتر نظام حاکم است. مثل داروی مسکنی که مرگ بیمار را به عقب میاندازد اما، هر روز ضعیف تر و ناتوان ترش میکند. توازن قوا در مقایسه با شرایط دوره خاتمی به ضرر حکومت و به نفع مردم تغییر چشمگیری کرده است. و این روند ادامه خواهد داشت.

**محمود احمدی:** یکی از مسائل مهمی که امروز در جامعه ایران مطرح است بحران، یا در واقع ورشکستگی اقتصادی حکومت است. دولت آمریکا هم اخیرا تحریمهای تازه ای علیه جمهوری اسلامی وضع کرده است. از سوی دیگر خامنه ای و اصولگرایان هم بارها علیه توافق و تعامل با آمریکا صحبت کرده اند. در این میان تکلیف برجام چه میشود؟ آیا میتواند ادامه پیدا کند؟

**حمید تقوایی:** بطور واقعی برجام به جایی نرسید. حتی در گفتمان و کشمکشهای جناحها هم، برجام دیگر جایگاه سابق را ندارد. به نظر میرسد پرونده برجام از نظر حکومتی ها هم، بسته شده است.

ولی این را باید در نظر داشت که هر دو جناح حکومتی بر سر مذاکره با آمریکا و توافقنامه برجام هم نظر بودند. اگر این توافق نبود اصلا برجام به امضا نمیرسید. در این تردیدی نیست. معضل حکومت اینست که برجام در عمل بجائی نرسید.

ما همیشه گفته ایم بن بست اقتصادی حکومت یک مساله هویتی- ساختاری- سیاسی است و با طرح های اقتصادی و معادلات و مناسبات اقتصادی قابل حل نیست. ظاهرا قرار بود برجام راه سرمایه های غربی را به ایران باز کند ولی بعد از این توافقنامه حملات ضد آمریکائی خامنه ای شدت گرفت. از نظر سیاسی و عقیدتی و هویتی، حکومت به ضد آمریکائی گری نیازمند است و از این نقطه نظر، بن بست و فروپاشی اقتصادی حکومت امری سیاسی- عقیدتی است.

از دید مردم و از دید کسانی که تصور میکردند در اثر برجام گنایشی در وضعیت معیشتی مردم ایجاد خواهد شد نیز، نافرجامی و شکست برجام به سرعت آشکار شد. بیکاری و گرانی بیشتر شد، ریاضت کثی اقتصادی تشدید شد، تلاش کردند "اصلاحیه هائی" به قانون کار بنویسند که معنی ای بجز اعمال فشار و بیحقوقیهای بیشتر به کارگران نداشت و غیره و غیره. در نتیجه کارگران و توده مردم در تجربه خود به سرعت به بیحاصلی و بی ربطی هیاهوی برجام به وضعیت زندگی و معیشتی خود پی بردند. از دید کارگران و مردم زیر خط فقر برجام از همان ابتدا پروژه سوخته ای بود.

**محمود احمدی:** شما کلا روند اوضاع سیاسی و جایگاه جنبشهای اعتراضی در جامعه را چطور می بینید؟ وقتی جناح خامنه ای از "فتنه" صحبت میکند آیا منظورشان امکان بروز اعتراضات توده ای است و یا تحركات جناح مقابل؟

**حمید تقوایی:** به نظر من "فتنه" اسم رمزی است برای شورش و اعتراضات توده ای. منتهی طرف خطاب هشدار در مورد "فتنه ای که در راه است"

جناح روحانی است. به اصلاح طلبان میگویند در اثر سیاستهای شما مردم به خیابان میریزند و دیگر نه از تاک نشان میماند و نه از تاک نشان. از جازرو شدن نظامشان بوسیله مردم نگران هستند و تلاش میکنند با نشان دادن این "خطر" جناح مقابل را به عقب برانند.

متن و زمینه این نگرانی و اعلام خطر را، اعتراضات گسترده اجتماعی بوجود آورده است. جنبش کارگری امروز موقعیتی دارد که در تاریخ چند دهساله اخیر از نظر تعداد و گستردگی اعتصابات و اعتراضات کارگری و مضمون خواستها و شعارهای رادیکالی که مطرح میکند بیسابقه است. امروز جنبش کارگری موقعیتی پیدا کرده است که الهام بخش و الگوئی است برای بخشهای دیگر جامعه. بعنوان نمونه حمایتهایی که از آتش نشانان در جریان فاجعه پلاسکو اعلام شد و یا اعلام همدردی با کارگران معدن زغال سنگ یورت آزاد شهر، استقبالی که از بیانیه عظیم زاده - عبدی به عمل آمد و یا اتحاد و همبستگی بیسابقه ای که امروز میان جنبش سراسری معلمان و کارگران شکل گرفته است، روی آوری فعالین جنبش علیه اعدام و جنبش آزادی زندانیان سیاسی به چهره های جنبش کارگری و ده ها نمونه دیگر، نشاندهنده وزن و ثقل اجتماعی جنبش کارگری در شرایط سیاسی امروز ایران است.

از سوی دیگر شاهد مبارزات بخشهای مختلف جامعه در عرصه های متعدد و متنوعی هستیم. بعنوان نمونه مبارزه علیه تبعیض جنسی و برای حقوق زنان که یکی از محورهای بچالش کشیدن جمهوری اسلامی از همان ابتدا و از اولین هشت مارس در سال ۵۷ بوده است، امروز در اشکال تعرضی تر و گسترده تری قد علم کرده است. این جنبش امروز عملا حجاب را کنار زده است. نمونه

دیگر شرکت زنان در حرکتیهای ورزشی و جنبش دوجرخه سواری زنان و حضورشان در استادبومها است. ما همچنین شاهد شکل گرفتن حرکتها و جنبشهای تازه ای نظیر اعتراضات علیه آلودگی هوا و تخریب محیط زیست، و یا جنبش دادخواهی کشتار دهه شصت و بسیاری از عرصه های دیگر هستیم.

یک فاکتور سیاسی مهم دیگر گرایش و حرکت عمیق ضد مذهبی در جامعه است. نه تنها خواست سکولاریسم که امروز گفتمان همه هست و حتی بخشهایی از ملی اسلامیهایی جدا شده از حکومت هم خودشان را سکولار میدانند، بلکه کلا جمع کردن مذهب و تابوهای مذهب از زندگی و اخلاقیات و مناسبات اجتماعی در جامعه گسترش پیدا کرده است. جنبشهایی نظیر ازدواجهای سفید و یا دفاع از حقوق همجنس گرایان، دارای جنبه های قوی ضد مذهبی و ضد اخلاقیات و تابوهای پوسیده اسلامی است.

این جنبشها و این اعتراضات گسترده هر روز و در ابعاد گسترده ای جمهوری اسلامی را بچالش میکشند. مصداق فتنه ای که حکومتی ها نگرانش هستند، تنها یک شورش و عصیان ناگهانی مثل خیزش ۸۸ نیست بلکه، جنبشها و اعتراضات اجتماعی ای است که هر روز در جامعه جریان دارد. این مبارزات پیگیر، ادامه دار و رو به گسترش و تعمیق است. به نظر من این جدال دائمی و گسترده بین جامعه و حکومت است که نهایتا به دعوای جناحها، تناقضات حکومتی، رابطه و مناسبات حکومت با غرب، سیاستهای منطقه ای حکومت و دیگر شرایط سیاسی در ایران شکل میدهد. سرنوشت و آینده جامعه را نیز در نهایت همین جدال تعیین خواهد کرد.\*

**این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی تنظیم شده است**

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

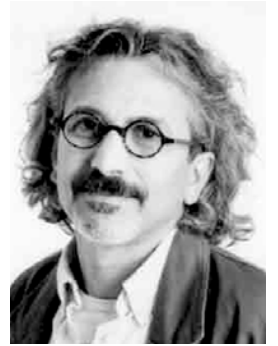
سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:



## از صفحه ۱ جایگاه مجاهدین در تحولات سیاسی ایران

نشست سالانه نیرویی از جنس کنترا است. مراسمشان هم طبیعتاً شکل و شمایل اهداف فرقه ای مورد نظر این جریان را دنبال میکند.

این مراسم "پر سر و صدا" بود چرا که اصولاً "سر و صدا" نه تبلیغ و ترویج، نه روشننگری و آگاهی سیاسی، نه سازماندهی، نه رهبری سیاسی اعتراض و اعتصاب تنها اهرم فعالیت این فرقه مذهبی است. سر و صدایی که قرار است زمینه های دریافت "اعتبارنامه" سیاسی این جریان به عنوان "آلترناتیو" فردای ایران را از آمریکا و متحدین منطقه ای اش تامین کند.

برگزاری چنین مراسمهایی اصولاً نشاندهنده قدرت این فرقه مذهبی بمثابه یک نیروی "اپوزیسیون" نیست. اگر بخواهیم از اجرای چنین نمایشهایی نتیجه گیری ای بکنیم شاید باید گفت که مجاهدین راه و چاه و فوت و فن اجرای مراسمی از جنس کنسرت و رقص و آواز را خوب فرا گرفته اند. شاید بتوانند فردا در یک وادی در خاک عربستان دفتر اجرای چنین کنسرتهایی را باز کنند. اما اطلاق "نیروی اصلی اپوزیسیون" به این جریان بیشتر یک مزاح سیاسی است. این جریان نماینده هیچ بخشی از جامعه نیست. یک نیروی اجتماعی و سیاسی نیست. یک فرقه مذهبی است که راه و رسم تطمیع چهره های اولترا راست و مرتجع را خوب فرا گرفته است. همین!

**نگاه روز:** سازمان مجاهدین مخالف سرسخت جمهوری اسلامی است آیا شایسته حمایت از سوی همه جریانات سرنگونی طلب نیست؟

**علی جوادی:** بهیچوجه! بهیچوجه! اجازه دهید اشاره مختصری به سابقه سیاسی این جریان بکنم، شاید بتوان معنای

واقی "مخالفت" این جریان با حکومت اسلامی را بهتر درک کرد. واقعیت این است که مجاهدین هیچگاه قائم به ذات و بنا به تعریف هویتی خود، ضد حکومت اسلامی و مبانی سیاسی، عقیدتی و هویتی ضد انقلاب اسلامی حاکم در ایران نبودند. در دوره های شکل گیری و قوام ارتجاع اسلامی در ایران، این جریان در کنار حاکمیت اسلامی بود. خمینی "رهبرشان" بود، طالقانی "پدرشان" و بنی صدر "متحد" سیاسی شان. در زمانی با التماس و استدعا، رجوی و خیابانی، به ملاقات خمینی رفتند و آمادگی خود را برای همکاری و به بازی گرفته شدن اعلام کردند. این جریان بطور همه جانبه ای از جناح بنی صدر در راس قوه مجریه حکومت اسلامی دفاع میکرد. و زمانیکه دعوای جناحهای حکومتی منجر به حذف بنی صدر از حاکمیت اسلامی شد، این جریان هم از حواشی حاکمیت رانده و به "اپوزیسیون" سوق داده شد و به دنبال آن، سیاست و تاکتیک ترور و عملیات انتحاری اسلامی را در دستور سازمانی خود قرار داد. اگر "انحصار طلبی" جریان خمینی و باندش نبود، این جریان کماکان در کنار بنی صدر و حاکمیت اسلامی قرار داشت. مخالفت خوانی امروز سازمان مجاهدین، نتیجه بلافصل سیاستهایشان در قبال یک نیروی ارتجاعی و آدمکش اسلامی نیست.

اما وضعیت امروز این جریان نسبت به گذشته نه چندان دورشان کاملاً متفاوت است. این جریان تنها یک نیروی سیاسی راست و مذهبی نیست. بلکه نیروی عمیقاً مخرب و ضد اجتماعی است. یک نیروی سناریو سیاهی است. یک نیروی ضد آزادی و ضد برابری است. نه تنها کوچکترین حمایتی از این جریان مجاز نیست، بلکه نیرویی است که عمیقاً باید افشاء و طرد شود. یک شرط مبارزه انسانی و انقلابی علیه حکومت اسلامی، طرد این سازمان و واکنش کردن جامعه در مقابل تحركات مخرب جریانات این چنینی است.

و باید اضافه کنیم که شاخص و معیار ما در حمایت از نیروها و فعالین سیاسی جامعه، یک شاخص سیاسی و اصولی است. ما نیروهای مخرب قوم پرست و فرقه های مذهبی جامعه را افشاء و نقد میکنیم. ما هیچگونه حمایتی از نیروهای دست راستی و ارتجاعی جنبش ناسیونالیسم پرو غربی که بعضاً بر علیه رژیم اسلامی هم مبارزه میکنند، نمیکنیم. ما نیروهای رنگارنگ جنبش ملی-اسلامی را که خرده انتقاداتی به زیاده روی جناح حاکم اسلامی دارند، را افشاء و نقد میکنیم. شاخص ما امر آزادی و برابری و سعادت جامعه است، ما دست همه فعالین اجتماعی در عرصه های متفاوت این جنبش عظیم را میفشاریم. ما مردم را به اردوی عظیم کمونیسم کارگری، اردوی عظیم آزادی و برابری و رهایی انسان فرامیخوانیم.

**نگاه روز:** شخصیت های سیاسی شرکت کننده در این نشست از جمله نماینده غیر رسمی ترامپ و وزیر اطلاعات سابق اطلاعات عربستان را چگونه بررسی می کنید؟

**علی جوادی:** بسیار روشن است. این جمعی از کثیف ترین و مرتجع ترین نیروهای دول سرمایه داری غرب و متحدین عقب مانده و عشیرتی منطقه ای آن هستند. به همان اندازه جمهوری اسلامی کثیف و ضد انسانی و بعضاً متحجرند. جدال و کشمکش این جریانات با جمهوری اسلامی ذره ای، هیچ ذره ای از آزادیخواهی و برابری طلبی را نمایندگی نمیکند. جدال این جریانات، جدال دو قطب تروریسم بین المللی و یکی از معضلات عظیم بشریت امروز است. جامعه بشری تنها با خلاصی از شر هر دو سوی این جدال ارتجاعی روی خوشی و سعادت را خواهد دید.

از طرف دیگر، شما نمیتوانید در کشور "خود" نماینده ضد انسانی ترین گرایشات باشید، مهره ای اساسی در جنبش تنوفاشیسم حاضر باشید، ضد زن و ضد آزادیخواهی و ضد مهاجر باشید، اما در گوشه ای دیگر به

صف آزادیخواهی تعلق داشته باشید. ترامپ و جولیان و جان بولتن همه جا ارتجاعی اند. همه جا مرتجع و ضد آزادیخواهی اند. چنین وارونگی و دوگانگی یک غیر ممکن ریاضی است. واقعی نیست. عملی نیست. به همین اعتبار اگر به دوستان و آشنایان مجاهدین نگاه کنید، به سادگی در می یابید که تصویرشان از آینده و تغییرات احتمالی در ایران چیست؟ می بینید که متحدین بین المللی شان چه کسانی هستند؟ می بینید که این جریان کوچکترین ربطی به بشریت متمدن در سطح بین المللی ندارد. می بینید که این جریان در کنار دشمنان کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی و در کنار اردوی میلیتاریسم و قلدری و زورگویی قرار دارد. سگ شکاری بیان گویایی برای توصیف خصلت و نقش سیاسی مجاهدین در تحولات آتی است.

مجاهدین به دنبال دریافت اعتبار نامه "آلترناتیو" حکومت اسلامی از دولتهای قلدر و زورگویی سرمایه داری غرب و متحدین منطقه ای اش هستند. از این رو، چنین جماعت و ترکیبی را، در جلسه سالانه آنها می بینیم. همانطور که اشاره کردم، این جریان قرار نیست، اعتبار نامه خود را از رهبران جنبش کارگری، فعالین ورهبران جنبش آزادی و برابری زن و مرد، از فعالین جنبش آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، از فعالین جنبش لغو بساط اعدام و قتل عمد دولتی دریافت کند. در سناریوی این جریانات، آمریکا و متحدین منطقه ای اش و مشخصاً عربستان سعودی باید اعتبار نامه "آلترناتیو" این جریان را امضاء کنند. همین و بس!

اما در همین چهارچوب هم دچار اشتباه محاسبه عظیم شده اند. نه این جریانات دارای چنین قدرتی هستند که با امضای اعتبار نامه مجاهدین به عنوان "آلترناتیو" راه این جریان را برای قدرت گیری فراهم کنند و نه جامعه و نه ما اجازه خواهیم داد.

**نگاه روز:** آیا پیروزی قطعی



از صفحه ۱

## فستیوال گلاستونبری

### و عروج ...

دیگر یک ذره برای تبلیغات جنگ سردی و ضد کمونیستی ارزش قائل نیست و برعکس تشنه چپ و سوسیالیسم است. به همین دلیل به شخصیت های چپ و سوسیالیست عمیقاً سمپاتی دارد. و وقتی که رهبری با گرایش چپ و مارکسیستی را می بیند او را بردوش مینهد و از او استقبال میکند. طی این مدت کوتاه کوربین خود را بعنوان یک رهبر چپ و سوسیالیست و مارکسیست معرفی کرده است که ضد ریاضت کشی اقتصادی است. او در تمام عمر خود با سیاستهای رسمی دولتها حتی آنجا که به حزب خودش متعلق بوده مخالفت کرده است. او علیرغم ضعفهایی که جنبه هایی را اشاره کردم خود را بعنوان نماینده اعتراض جامعه معرفی کرده است. همینهاست که مورد استقبال جامعه است و به او چهره یک قهرمان میدهد.

کوربین از سال ۲۰۱۵ یعنی دو سال پیش در اوج ناباوری جریانها راست به رهبری حزب لیبر انتخاب شد. این اتفاق فضای جامعه انگلیس را تکان داد. در واقع باید گفت که فضای چپ و رادیکال جامعه انگلستان کوربین را به رهبری حزب لیبر پرتاب کرد و این اتفاق تأثیر فوری ای بر چرخش به چپ بیشتر فضای سیاسی انگلستان گذاشت. در عرض یک سال گذشته جناح راست حزب که تونی بلرستها در آن بیش از همه فعالند به اشکال مختلف تلاش کردند با فلج کردن حزب لیبر کوربین را به استعفا بکشانند. در مقاطی بنظر میرسید که دارند موفق میشوند. اما این ظاهر قضیه بود. حزب لیبر بتدریج داشت با هجوم اعضای جدید به سمت کوربین میچرخید و جناح راست و تونی بلری پایگاه خود را از دست میداد. طی یک سالی که کوربین به رهبری حزب لیبر رسیده چند صد هزار نفر که اکثراً جوانان هستند به عضویت

حزب لیبر پیوسته اند. حزب لیبر اکنون بزرگترین حزب سیاسی در اروپا را تشکیل میدهد که بیش از یک میلیون نفر عضو دارد. اکثر این ها جوانان چپگرایی هستند که طی این مدت کوتاه به حزب پیوسته اند. سیمای حزب لیبر که قبلاً تحت رهبری تونی بلر و شرکا به شدت به راست چرخیده بود یک مرتبه عمیقاً عوض شده است. جریان راست ایزوله شده و به حاشیه رانده شده است.

**اشتباه محاسبه محافظه کاران**  
در هشتم ژوئن (۱۸ خرداد) امسال یعنی حدوداً یک ماه پیش ترزا می نخست وزیر محافظه کار انگلستان تصمیم گرفت یک انتخابات زودرس برگزار کند. او اعلام کرد که برای اینکه در مذاکرات مربوط به برگزیت (خروج از اتحادیه اروپا) دست بازتری داشته باشد و رای مردم را با خود داشته باشد، لازم است انتخابات پیش از موعد برگزار شود. اما همه کس میدانند که دلیل اصلی این انتخابات چیز دیگری بود. او و هم حزبیهایش بارها به نحوی گفته بودند که حزب لیبر برهبری کوربین در بحران است و میتواند آنرا کلاً از صحنه سیاسی حذف کرد. این انتخابات قرار بود نه فقط حزب لیبر بلکه چپ را از صحنه سیاسی انگلیس حذف کند. اما با انتشار مانیفست انتخاباتی کوربین که یک مانیفست با اصلاحات وسیع و چپ بود و اقدامات جدی ای را به نفع کارگران و مردم عادی و به زیان یک اقلیت کوچک از سرمایه داران بزرگ مطرح میکرد، فضا سریعاً چرخید. در عرض دو هفته تا برگزاری انتخابات نظر سنجی ها پی در پی از رشد محبوبیت کوربین و افول نخست وزیر خبر میداد. در نهایت وقتی انتخابات برگزار شد باز هم حزب محافظه کار بعنوان بزرگترین حزب رای آورد. اما اکثریت خود را در پارلمان از دست داد. این یک زلزله سیاسی در فضای سیاسی انگلستان بود. مردم خوشحال شدند و راستها وحشت کردند. زیرا میدانند که چپ دارد می آید. با این انتخابات ترزا می به یک نخست وزیر لرزان که هر روز انتظار می رود سقوط کند تبدیل شده است. و کوربین به شخصیتی که میتواند جامعه را

نجات دهد خود را معرفی کرده است.

### فستیوال چپ

در این فضا که دو هفته پیش فستیوال گلاستونبری برگزار شد. برگزار کنندگان فستیوال با مشاهده محبوبیت گسترده کوربین در میان جوانان از او دعوت کردند که در فستیوال حضور یابد و سخنرانی کند. کل فضای گلاستونبری امسال سیاسی شده بود و سالهای پر شور اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد میلادی و جنبش ضد جنگ ویتنام و بیتلها و هیپی ها را یاد می آورد. با این تفاوت که این بار جوانان مستقیماً نه فقط ضد جنگ بلکه ضد سرمایه و سرمایه داران و برای یک جامعه بهتر فریاد میزدند. جوانان از شورش علیه ترزا می و محافظه کاران سخن میگفتند. از پایان دادن به زدنی های بالایی ها و به شکست کشاندن سیاست ریاضت اقتصادی و پایان دادن به تبعیضات طبقاتی، بحثها بر سر چگونه کنار زدن حزب راستگرای محافظه کار از قدرت بود. کل خشم جامعه از محافظه کاران در گلاستونبری بازتاب خود را پیدا کرده بود. کوربین در فضای بسیار پرشوری از حمایت و شعار دادن و سرود خواندن، یک سخنرانی بیست دقیقه ای کرد که با استقبال عظیمی مواجه شد. او علیه محافظه کاران، علیه ترامپ و علیه راسیسم و فاشیسم و علیه سیاست ریاضت اقتصادی سخن گفت و همه حاضرین با شور و حرارت از او پشتیبانی کردند. این فضا اکنون بر جامعه انگلستان حاکم است و شور و امید بسیاری را ایجاد کرده است. در تظاهراتی که در همین روزهای اوایل ژوئیه یعنی سه روز پیش در لندن برگزار شد بیش از صد هزار نفر شرکت کرده بودند. این تظاهرات نیز به یک نمایش قدرت عظیم چپ علیه محافظه کاران تبدیل شد و در آن کوربین فراخوان به زیر کشیدن دولت محافظه کار ترزا می و به شکست کشاندن ریاضت اقتصادی و پایان دادن به تبعیضات اقتصادی را داد. همانگونه که اشاره کردم اینجا بحث بر سر نظرات و گرایش خواهد داشت.



جمهوری و جاده‌های منتهی به مراکز مهم دولتی، از درگیری خشونت‌بار پرهیز کردند. این تظاهرات بدون هجوم مسلحانه و شلیک به معترضین انجام شد.

### سابقه جنبش رستاخیز تغییر

پس از انفجار مرگبار دهم خرداد در محله دیپلماتیک کابل و کشته شدن چند صد نفر و متعاقب آن تجمع اعتراضی مردم برای دادخواهی و تأمین امنیت، که با حمله وحشیانه گارد ریاست جمهوری منجر به کشته و زخمی شدن تعداد قابل توجهی از معترضین شد. به نشانه پیگیری و علیه آن کشتار، چادرهای تحصن اعتراضی در مرکز شهر و چند نقطه کابل و برخی شهرهای دیگر برپا شد.

اعتراضات خودجوش، با خواست دادخواهی، عملاً انگشت اتهام در انفجارهای اخیر را به سمت دستگاه دولتی نشانه گرفت. انفجار هولناک چهارراه زنبق، حمله به صف معترضین، انفجار مجدد در محل خاکسپاری کشته‌شدگان، همه و همه در هاله‌ای از تردید و سوءظن به مسببین و آمران آن، به ارگ ریاست جمهوری و کل دستگاه امنیتی، مشاوران و فرماندهان ارشد آن نسبت داده می‌شود. مطالبه اصلی تحصن، استعفای رئیس جمهور و رئیس اجرایی و فرماندهان ارشد امنیتی کشور است.

خواست استعفای حکومت وحدت ملی، و نیز محاکمه "حنیف اتمر" مشاور امنیت ملی و "معصوم ستانکزی" مسئول امنیت ملی بعنوان مسببن فاجعه ۱۲ خرداد و حمله مرگبار به صف معترضین، خواستی موجه است و مردم حق دارند در باره این فاجعه، حقیقت افشا شود و مسببین آن محاکمه شوند، اما اساساً این تحصن بنا به موقعیت خود قادر به بسیج افکار عمومی و اهرم‌های اجتماعی قدرتمند برای خاتمه دادن به حکومت وحدت ملی و برگزاری انتخاباتی دیگر نیست.

حزب جمعیت اسلامی (صلاح‌الدین ربانی) از بانیان

تفاوت‌های ظاهری، تلاشی از اعماق جامعه برای دادخواهی علیه وضعیت فاجعه بار کنونی است. امید به اینکه می‌توان با کنار زدن حکومت وحدت ملی به سازش با طالبان و مصیبت جنگ، آوارگی، فساد دولتی، دست درازی قدرت‌های منطقه‌ای پایان داد!

صحنه سیاسی و اجتماعی، سبب رشد سرطانی تعلق و هویت تراشی قومی و مذهبی گردید. کلیه تنظیمات جهادی و نیز سایر جریان‌ات تروریستی اسلامی چون طالبان، شبکه حقانی و داعش، برای سربازگیری و گسترش دامنه قدرت خود همواره به این آفت متکی بوده‌اند.

اما هر سه جنبش اعتراضی علیرغم نقطه قوت‌های قابل ملاحظه در نیمه راه از طیش باز ماندند. جنبش روشنایی با اعتراض برای انتقال تبعیض آمیز انرژی برق به میدان آمد و بسرعت چشمگیری به جنبش عدالتخواهی عظیم و سراسری بدل شد. اما بدون رهبری رادیکال و افق‌های روشن برای ادامه روند اعتراضات، به بیراهه رفت و عملاً متوقف شد.

اما خواست عدالتخواهی از طیش نایستاد و مجدداً در اعتراض دیگری خود را به خیابان کشاند. این بار به نام "جنبش رستاخیز تغییر" یا به میدان گذاشت. بی آنکه با علل شکست جنبش‌های پیشین تسویه حساب جسورانه‌ای کرده باشد. گسستی که جز با اتکا به یک رهبری رادیکال و مترقی ممکن نیست.

### شکاف‌های قومی و مذهبی

حاصل کارکرد چهار دهه جنگ و خونریزی و کشمکش و رقابت تنظیمات جهادی، در سایه کارکرد نظام سرمایه داری جهانی، حکومت‌های فاسد و دست درازی دول ارتجاعی منطقه در رقابت‌های بین‌المللی، در خلاء و فقدان نیروهای مترقی و رادیکال فعال در

## شهلا دانشفر

از صفحه ۱

## کارگران در هفته ای که گذشت



کارگران در این هفته در حالی صورت گرفت که ۱۳ روز قبل قائم مقام مدیر عامل مجتمع نیشکر هفت تپه وعده برطرف شدن مشکل بازنشستگی آنان را داده بود.

بنا بر خبرها بدنبال تجمعات و شکایات کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه مقرر شده بود که روز یکشنبه ۱۱ تیر مشکل پرداخت ۴ درصد سهم کارفرما به تامین اجتماعی حل خواهد شد. اما دلیل خلف وعده کارفرما در نمازخانه جمع شده و ازقائم مقام مدیریت شرکت خواستند در جمع آنها حاضر شده و پاسخگو شود. پس از سخنان قائم مقام شرکت نصیری و شنیدن دوباره وعده وعیدهای او، کارگران به خشم آمده و مانع خروج وی از نمازخانه شدند. اما با وساطت حراست پس از ساعتی کارگران درب نمازخانه را باز کردند تا همگی به اتفاق به بیمه هفت تپه مراجعه کنند. در آنجا پس از جلسه ای با رئیس بیمه اعلام شد که میبایست مدیرکل تامین اجتماعی موافقت خود را طی فاکسی به شعبه زادمهرهفت تپه اعلام کنند. ولی نتیجه ای جز سردواندن کارگران نداشت. این موضوع بر خشم و اعتراض بازنشستگان افزود. در تجمع روز ۱۴ جمعی از کارگران بازنشسته به فرمانداری مراجعه کردند، اما مورد تهدید قرار گرفتند. همین برخورد باعث شد که کارگران به شرکت مراجعه و به همراه باقی همکارانشان درب ورودی شرکت را بسته و با حمله به مدیریت و حسابداری دوربین های مدار بسته که برای امنیتی کردن کارخانه نصب شده اند و شیشه ها را شکستند. و هم اکنون اعتراض کارگران بازنشسته هفت تپه ادامه دارد. یک نقطه قوت مبارزات کارگران بازنشسته نیشکر

زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادگی، بطور واقعی اعتراض کارگران سراسر ایران و کل جامعه را فریاد زدند. اعتراضات و تظاهرات هر روزه کارگران هپکو در سال گذشته در خیابانهای اراک و سرانجام وارد صحنه شدن خانواده ها در این اعتراضات و عقب نشینی فوری کارفرما و دولت و تن دادن به بخشی از خواستههای کارگران، یک نقطه عطف مهم در جنبش اعتراضی کارگری بود که درسهای با ارزشی برای کل جنبش کارگری و کارگران هپکو در پی داشت. تجربیات درخشان مبارزات کارگران هپکو در سال ۹۵، بدون شک امروز آنها را در موقعیت قدرتمندتری برای پیشبرد اعتراضاتشان قرار داده و مکان ویژه ای به مبارزات آنها در جنبش اعتراضی کارگری داده است. اکنون بلند شدن دوباره زمزمه های اعتراض در این کارخانه برای مردم شهر اراک و جنبش اعتراضی کارگری نوید بخش است. اعتراضات کارگران هپکو ادامه دارد. اخبار این اعتراضات را وسیعاً پخش کنیم. از مبارزات کارگران هپکو حمایت و پشتیبانی کنیم.

## ادامه اعتراضات کارگران

## بازنشسته نیشکر هفت تپه

روزهای ۱۲ و ۱۳ تیرماه، گروهی از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در ادامه تجمعات اعتراضی شان برای پیگیری مشکل بازنشستگی خود، در مقابل ساختمان فرمانداری شهرستان شوش تجمع کردند. از قرار معلوم به ۳۴۱ کارگر بازنشسته نیشکر هفت تپه که از ۲۵ اسفند سال ۹۴ مشمول بازنشستگی شده اند، به دلیل پرداخت نشدن ۴ درصد سهم کارفرما به تامین اجتماعی، مستمری پرداخت نمیشود و این کارگران بعد از سالها کار حتی از همان چندروزه حق بازنشستگی نیز محرومند. تجمعات اعتراضی

استانداری و میدان مرکزی شهر اراک را راهپیمایی کردند. در حرکت روز ۱۲ تیر، کارگران هپکو با راهپیمایی و نشستن بر روی زمین و مسدود کردن خیابان (نزدیک ترمینال) دست به اعتراض زدند.

۱۱ اسفندماه سال گذشته کارگران هپکو به دلیل تاخیر شش ماه حقوقشان مقابل ساختمان استانداری مرکزی تجمع اعتراضی برپا کردند و از سوی مسئولان استانی وعده هایی برای رفع مشکلشان داده شد که این قول ها هنوز به صورت کامل عملیاتی نشده است.

بنا بر خبرها، از روز ۱۳ خرداد، سازمان خصوصی سازی، مدیریت هپکو را به شرکت هیدرو اطلس، واگذار کرده است. یکی از تعهدات این واگذاری برعهده گرفتن مسئولیت پرداخت چهار و نیم ماه از مزد کارگران بوده است. بر مبنای این تعهدات قرار بوده که تا پایان خرداد ماه همه معوقات مزدی و بیمه ای کارگران پرداخت شود اما، اقدامی صورت نگرفته است. به گفته کارگران، حقوق آذر، دی و بهمن سال ۹۵ آنها کامل پرداخت نشده است. حقوق اسفند ماه این کارگران بعد از اعتراضات بسیار پرداخت شد و از آغاز سال جاری تا کنون نیز، دستمزدی نگرفته اند. بدین ترتیب این کارگران بیش از ۵ ماه مزد، طلب دارند. این موضوع اعتراضات دنباله دار کارگران را در پی داشته است.

راهپیمایی کارگران هپکو در وسط شهر اراک بار دیگر فضای شهر را تغییر داده است. مردم با علاقه این اعتراضات را دنبال میکنند. یکماه اعتراض بیش از هزار کارگر کارخانه هپکو، یکی از نقطه های درخشان مبارزات کارگری در سال ۹۵ بود. کارگران هپکو با شعارهای کوبنده خود و با سرود "زیر بار ستم نمیکنیم

هفت تپه همراهی کارگران شاغل با آنها بوده است. کارگران شاغل و بازنشسته نیشکر هفت تپه از اولین هفته خرداد، بخاطر تعویق در پرداخت دستمزدهایشان و عدم پرداخت ۴ درصد سهم کارفرما به تامین اجتماعی بطور متوالی در اعتراض بودند. در این اعتراضات خانواده های کارگران نیشکر هفت تپه سهم مهمی داشته و مشخصاً در تجمع روز ۱۷ خرداد ماه شرکت داشتند. روز ۳۰ خرداد با وعده کارفرما مبنی بر پرداخت یکساعت اضافه کاری به ازای کاهش ساعت کاری کارگران بخاطر گرمای ۵۰ درجه هفت تپه و پرداخت دستمزد فروردین ماه، کارگران شاغل موقتاً به تجمعات اعتراضی خود پایان دادند. اما با اخراج ۳۰ کارگر نیشکر هفت تپه تحت عنوان اینکه آنها اعتراضات را هدایت میکرده اند، کارگران دوباره دست به اعتراض زدند تا اینکه موفق به بازگرداندن همکاران اخراجی خود به سر کار شدند. بدنبال این اعتراضات قدرتمند به کارگران بازنشسته نیز قول داده شد که ۴ درصد حق بیمه شان پرداخت خواهد شد و مشکلی برای بازنشستگی آنان باقی نخواهد ماند. اما این وعده ها عملی نشد و کارگران اعتراضاتشان را متحدانه دنبال کردند. نیشکر هفت تپه یکی از کانون های داغ اعتراضات کارگری است که مبارزات تا کنونی شان درسهای آموزنده

از اتحاد و همبستگی برای خود این کارگران و کل جنبش کارگری در پیش داشته است. **تجمع سراسری معلمان آزاد شاغل در بخش غیر دولتی**

یک خبر مهم هفته گذشته تجمع سراسری معلمان آزاد شاغل در بخش غیر دولتی است. معلمان خواستههایی سراسری دارند و اعتراضات هر بخش از آنان مقدمه ای برای جلو آمدن همه معلمان با خواستههای سراسری شان است. خصوصاً اینکه اعتراضات معلمان در دو سه ساله اخیر یک عرصه مهم از اعتراض در سطح جامعه بوده است. این اعتراضات به لحاظ اشکال سراسری و سازمانیافته اش، و به لحاظ خواستههای رادیکال و شفاف، از جمله شعارهایی علیه تبعیض و نابرابری، علیه اختلاس ها و دستمزدهای چند بار زیر خط فقر، علیه امنیتی کردن مبارزات و طرح خواستههایی چون بیمه درمانی، لغو خصوصی سازی مدارس و کالایی شدن مدارس، لغو احکام امنیتی صادر شده برای کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی، دست آوردهای مهمی برای خود آنان و جنبش کارگری و کل جامعه داشته است. از جمله معلمان در تجمعات دو سه سال اخیر خود با شعارهایی چون خط فقر ۴ میلیون حقوق ما یک میلیون، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، بیمه کارآمد، درمان رایگان است، تحصیل

## کارگران در هفته ای که گذشت



از صفحه ۷  
رایگان حق مسلم فرزندان ماست، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، خواسته‌های رادیکال، چپ و انسانی در سطح جامعه را نمایندگی کرده اند.

در متن چنین اعتراضاتی در تداوم آنست که بیش از صد نفر از معلمان آزاد مشاغل در بخش غیر دولتی از سراسر کشور به تهران آمده و از ساعت ۸ صبح روز ۱۱ تیر در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. این معلمان که نه از حق بیمه بهره مندند و نه حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار نصیبشان می‌شود، از شرایط شغلی خود به شدت ناراضی هستند. در تجمع اعتراضی این روز معلمان آزاد پلاکاردهایی چون نیروهای آزاد حق حیات دارند، با ۳۰۰۰۰۰ میشود؟، نه بیمه، نه مسکن، نه آینده روشن یک شاخص برجسته از مبارزات تاکنونی معلمان بود.

گروه پیشکسوتان پیشرو استان کرمان در تلگرام طی بیانیه ای تحت عنوان: "نمی‌خواهید تجمع کنیم، قانون مدیریت خدمات کشوری را بدون "چون و چرا" اجرا کنید!" برخواستهای فوری معلمان از جمله رساندن حداقل حقوقها به بالاتر از خط فقر و جبران عقب ماندگی نرخ رشد حقوق بر مبنای رشد تورم در سال های گذشته، همترازی حقوق و

مزایا با بازنشستگان سایر ارگان ها و سازمان های دولتی و خصوصی بر اساس سوابق تحصیلی و شغلی، بیمه مکمل و کارآمد برای پوشش دادن به انواع مرضی های دوران کهولت و باز نشستگی، پرداخت تمامی معوقات و محاسبه دیر کرد بر اساس نرخ تورم، باز گرداندن منزلت از دست داده و کرامت شایسته ی معلمان، ترمیم حقوق سال های گذشته که نسبت به نرخ تورم همخوانی نداشت، پرداخت پاداش بازنشستگی حداکثر بعد از سه ماه، اجرای رتبه بندی بازنشستگانی که از سال های قبل بازنشسته شدند و همسانی حقوق بازنشستگان سنوات گذشته و دیگر خواسته‌های فوری شان تاکید کرده اند. معلمان آزاد شاغل در بخش غیر دولتی آموزش و پرورش میگویند فرق ما با معلمان رسمی چیست؟ ما هم همان کار را انجام میدهم، اما دستمزدمان بسیار کمتر است. در تابستان نیز درآمدی نداریم و از همان حداقل بیمه هم محرومیم. یک خواست مهم این معلمان استخدام در آموزش و پرورش و بر خورداری از شرایط معلمان استخدامی است. تجمع سراسری روز یازده تیر از طریق فضای مجازی تلگرامی سازماندهی شده بود. معلمان همچنان پیگیر خواسته‌هایشان

هستند.

### کارگران نورد و پروفیل ساوه با اعتصاب خود موفق به دریافت یکماه از طلبهایشان شدند

روز شنبه ۱۰ تیرماه پیش از دوپست نفر از کارگران نورد و پروفیل ساوه در شیفت بعد از ظهر، در اعتراض به عدم پرداخت نزدیک به ۵ ماه دستمزدشان دست از کار کشیدند.

کارخانه نورد و پروفیل در شهرستان ساوه متعلق به یک کارفرماست و ۲۴۰۰ کارگر این کارخانه ها ۵ ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. در رابطه با این موضوع این کارگران چندین بار تجمع و اعتصاب داشته اند. بدنیاال اعتصاب روز دهم تیر، کارفرما در روز یازدهم تیرماه یکماه از دستمزد کارگران را پرداخت کرد و کارگران موقتاً به اعتصابشان پایان دادند. کارگران تمام طلبهایشان را میخوانند.

پروفیل ساوه یکی از مراکز پر قدرت اعتراضات کارگری است. از جمله اعتراضات کارگران

پروفیل ساوه در خرداد ۹۳ دستاوردهای مهمی برای این کارگران و کل جامعه داشت. یک نقطه قوت مهم اعتراضات کارگران پروفیل ساوه در آن مقطع اتکای آنان به مجمع عمومی خود و تصمیم گیری جمعی در اجتماعاتشان بود. این کارگران در طول اعتراضاتشان با تشکیل مجمع عمومی کارگری و تصمیم گیری متحد، توانستند جلوی تفرقه افکنی های رژیم اسلامی بایستند و با قدرت نیروی جمعی خود هیچ راه گریزی برای کارفرمایان و دولت باقی نگذارند. نقطه درخشان اعتراض کارگران در اعتراضات سال ۹۳ این بود که در مجمع عمومی ۱۹ خرداد خود تصمیم گرفتند که هر ماه در یک روز معین بین ۴۵ دقیقه تا یک ساعت صرف نظر از اینکه مشکل داشته باشند و یا نداشته باشند مجمع عمومی تشکیل دهند. این تصمیم کارگران پروفیل ساوه راه ممکن بودن و عملی بودن متشکل شدن را در مقابل همه کارگران در سراسر ایران قرار داد. و این یک اتفاق مهم در جنبش کارگری ایران

است. یادآوری این تجربه در این مقطع از مبارزه کارگران پروفیل ساوه و برای کل کارگران مهم است.

اتکا به مجمع عمومی در سطح کارخانه‌ها و محیط های کار گام مهمی در جهت سازمانیابی کارگران در محیط های کار و اعمال اراده مستقیم خود در مبارزاتشان است. و این خود به معنای نفی عملی و مستقیم تشکل های دست ساز دولتی مثل شوراهای اسلامی و خانه کارگر و نظایر آنهاست. نفس این تجربه و اینکه کارگران پروفیل ساوه از برپایی مجمع عمومی به عنوان ظرفی برای متشکل شدنشان سخن گفتند و اتکای مبارزات هر روزه کارگری به مجمع عمومی بعنوان ظرف اعتراض و فضای پر تحرک جنبش کارگری، امروز توازن قوای بهتری برای دامن زدن به جنبش مجامع عمومی در سطحی سراسری ایجاد کرده است. این یک فرصت مهم برای رفتن بسوی ایجاد تشکلهای توده ای کارگری است.\*

امکان قدرتمندی دهد. جامعه ایران را نباید دست کم گرفت. بلوغ سیاسی و درجه رشد و آگاهی جنبشهای آزادیخواهی و برابری طلبی را نباید دست کم گرفت. من عمیقاً معتقدم، و این یک باور دیرینه است، که جامعه میتواند علیرغم نقش مخرب نیروهای مانع مجاهدین و جریانات قوم پرست و دستجات کثیف حزب الهی در پیشروی امر آزادی و برابری و خلاصی از کلیت نظام اسلامی به اهداف دیرینه خود که یک جامعه آزاد و برابر و انسانی است، دست یابند.\*

این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید با علی جوادی تنظیم شده است

سناریوی خونین عراق در جامعه ایران و نقش آفرینی جریاناتی امثال مجاهدین است.

واقعیت این است که سرنوشت آتی جامعه را تلاقی جنبشهای اجتماعی اصلی جامعه، تقابل سه جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری، ناسیونالیسم پرو غربی و جنبش ملی - اسلامی تعیین میکند. مجاهدین جایی در این معادله تعیین سرنوشت آتی جامعه ندارند. بزگر گله ملی - اسلامی اند، اما بزی که از خانه و کاشانه خود نیز طرد شده است.

بعلاوه جامعه تیمارستان نیست که در پروسه سرنوشتی حکومت اسلامی به نیروی اسلامی دیگری

## جایگاه مجاهدین در تحولات ...

از صفحه ۴

مبارزات مردم و برقراری یک جامعه آزاد و برابر و انسانی با وجود نیروهایی چون مجاهدین و احزاب دیگر که در زیر پرچم ترامپ رژه می روند ممکن است؟

علی جوادی: قطعاً. اگر ممکن نبود، من و شما و جنبشی به عظمت اجتماع هر روزه، چه آشکار و چه پنهان، در پهنای جامعه در جریان نبود. آنچه که بنظر من کمتر ممکن است، آنچه کمتر شانسی دارد، تکرار





از صفحه ۱

## کارگران مخابرات گام تازه ای ...

بیشتر، به میدان آوردن نیروی بیشتر در مقابل دولت و کارفرماها، و به معنی درجه بالاتری از سازمانیابی در میان کارگران است. این مسیری است که باید به شیوه مبارزه بخش های مختلف جنبش کارگری تبدیل شود. طبقه کارگر خواست های فوری، سراسری و مشترکی مانند افزایش دستمزدها، انعقاد قراردادهای مستقیم و امنیت شغلی، پرداخت فوری حقوق های معوقه و پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات دارد و برای تحمیل این خواست ها باید مبارزات خود را از طریق اعتراضات سراسری، به میدان آمدن خانواده های کارگری، رسانه ای کردن هر چه بیشتر اعتراضات، جلب همبستگی سایر بخش های جامعه و تلاش برای شکل دادن به تشکل های سراسری و محلی خود ارتقا دهد.

حزب کمونیست کارگری، با تمام قوا از مبارزات کارگران مخابرات و خواست های بحق آنان حمایت میکند و کارگران در سراسر کشور را به گسترش اعتراضات سراسری، حضور خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی و تلاش برای شکل دادن به تشکل های خود فرامیخواند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ تیرماه ۱۳۹۶، ۲ جولای ۲۰۱۷

مشاغل نیز از خواست های دیگر کارگران مخابرات میباشد. این اعتراضات در ادامه دو هفته اعتراض مستمر کارگران شرکتی مخابرات در مشهد صورت گرفت. کارگران مخابرات اعلام کردند به اعتراض خود تا زمانی که به خواست های آنها پاسخ داده شود ادامه خواهند داد.

تجمع سراسری و همزمان در شهرهای مختلف کشور گام بزرگی در گسترش مبارزات کارگران مخابرات است. شیوه ای که معلمان و بازنشستگان آموزش و پرورش، کارگران آتش نشانی، کارگران فشار قوی برق، بازنشستگان فولاد و بخش های دیگری از طبقه کارگر در سال های اخیر به آن روی آورده اند. تهیه طومارهای اعتراضی توسط بخش هایی از کارگران از جمله کارگران نفت نیز شکل دیگری از روی آوری به اعتراضات متحد و سراسری است که نقطه عطفی در مبارزات کارگری بشمار میرود. لازم به یادآوری است که در آبان سال گذشته نیز بیش از دو هزار نفر از کارگران شرکتی مخابرات از شهرهای مختلف در مقابل مجلس تجمع کردند که در روز سوم اعتراض خانواده هایشان نیز به آنها ملحق شدند.

اعتراضات سراسری و حضور خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی، دو اقدام مهم جنبش کارگری در جهت اتحاد



از صفحه ۱

## کارگران هپکو ...

روز ۱۲ تیرماه کارگران هپکو در اراک برای دومین روز در هفته اخیر با راهپیمایی و تجمع در مقابل ساختمان استانداری اعتراض خود را نسبت به وضعیت بلاتکلیف این کارخانه و عدم پرداخت چندین ماه حقوق خود اعلام کردند. روز دهم تیرماه نیز کارگران هپکو با راهپیمایی و نشستن در خیابان و مسدود کردن آن دست به اعتراض زده بودند.

مبارزات چند هفته ای کارگران هپکو در سال قبل، راهپیمایی های مکرر آنها و سخنرانی پرشور نماینده آنها که نهایتاً با حضور خانواده های آنها و راهپیمایی در مرکز شهر به نقطه اوج رسید دولت و کارفرما را وادار کرد که بخشی از حقوق عقب افتاده کارگران را پرداخت کنند و قول رسیدگی به سایر خواست های آنها بدهند اما خواست های کارگران همچنان بی پاسخ مانده است. مبارزات کارگران چنان متحد و سازمان یافته بود که ارگان های سرکوب حکومت نتوانستند مزاحمت چندانی برای اعتراضات آنها ایجاد کنند. تجارب گرانبهائی کارگران به آنها امکان میدهد که اینبار سازمان یافته تر و قوی تر از قبل به میدان بیایند و کارفرما و دولت را وادار کنند که حقوق معوقه آنها را کاملاً پرداخت کنند و به وضعیت بلاتکلیف کارخانه پایان بدهند. حضور خانواده های کارگران و راهپیمایی در مرکز شهر کلید پیشروی کارگران و جلب همبستگی مردم شهر است. شهر اراک بعنوان یک مرکز کارگری سرشار از نفرت و اعتراض مردم به فقر و بیکاری و محرومیت است. کارگران اراک و همینطور کارگران آذربایجان و معلمان و جوانان این شهر میتوانند نقش مهمی در شکل دادن به یک جنبش اعتراضی قدرتمند ایفا کنند و جمهوری اسلامی را مجبور کنند به خواست های آنها گردن بگذارند.

مبارزات کارگران هپکو نقطه درخشانی در جنبش کارگری ایران محسوب میشود و شایسته بهترین حمایت از طرف معلمان، پرستاران، زنان و جوانان است. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از کارگران هپکو اعلام میکند و آنها را فرامیخواند که رابطه خود را با حزب تقویت کنند، گزارشات خود را مستقیم برای ما بفرستند و از طریق تلویزیون کانال جدید صدای خود را به گوش مردم در سراسر کشور برسانند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ تیرماه ۱۳۹۶، ۴ جولای ۲۰۱۷

مذهبی به هرز می رود. جنبش عدالتخواهانه سوسیالیستی، تنها راه نجات جامعه از جهنمی است که زیر پای آن دهان باز کرده است.

چپ و سوسیالیسم این اعتماد به نفس را باید بخود بدهد که قد علم کند و جامعه را نجات دهد. نیروی مادی این جنبش حی و حاضر در دستان رهبران قومی

ارتجاعی خارج کرد. این گسستی تاریخی و طبقاتی است و این جرأت و جسارت را چپ و سوسیالیسم باید از خود نشان دهد. نه قومیت، نه ملیت زنده باد انسانیت، تنها راه این گسست سرنوشت ساز است، تا در پس ظاهر آراسته ملیت تراشی، چهره کریه سرمایه داری و نقشه های شومش بدون نقاب علنی شود. مافیای حکومت وحدت ملی، سران قومی و قبیله ای و همه تنظیمات جهادی، مجریان ستاریوی سیاه کنونی اند.

رفتن سران حکومت وحدت ملی به صلاح کشور نیست". برای نمونه صیغت الله مجددی رئیس شورای عالی احزاب جهادی و ملی، در نشست خبری که به همین منظور تدارک دیده شده بود رسماً حمایت خود را از آنچه "اعتراضات مردمی" می خوانند، اعلام کرد و گفت که آنان نیز خواستار اصلاحات بنیادی در حکومت هستند.

سرنوشت مردم افغانستان را باید از سیطره احزاب راست و

## جنبش های اعتراضی در افغانستان

از صفحه ۶

سه گانه، راه را برای تغییری بنیادی باز خواهند کرد.

سران احزاب جهادی و ملی افغانستان نیز خود را حامی این اعتراضات قلمداد می کنند و تأکید دارند "در شرایط کنونی کنار



## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:  
http://www.countmein-iran.com

### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:

Bankleitzahl: 37010050, Post Bank  
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

### آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدالگلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



اعلام اینکه ما را از "تعدیل" نترسانید، بر خواست های برحق خود و ادامه اعتراضاتشان تاکید کردند. روزهای ۱۲ و ۱۳ تیرماه نیز اعتراضات کارکنان پیمانی مخابرات ادامه یافت. بدین ترتیب اعتصاب سراسری نیروهای شرکتی مخابرات در حال گسترش به تمام نقاط کشور است. کارکنان شرکتی در شهرهای مختلف در حمایت از کارکنان پیمانی مشهد و در اعتراض به سخنان توهین آمیز مدیران مخابرات به این حرکت اعتراضی پیوسته اند و تا کنون شهرهای گچساران، نهاوند، خرم اباد، الیگودرز، بروجرد، پلدختر، مشهد، همدان، یاسوج، الشتر، شیراز و کارکنان این سازمان در استانهای کرمان، مازندران، آذربایجان و سیستان و بلوچستان در تدارک پیوستن به این اعتصاب سراسری هستند.

نگاهی بر آنچه در اعتراضات سراسری کارگران مخابرات می گذرد و عکس العمل سراسیمه مقامات مسئول، تأکیدی دیگر بر قدرت اعتصابات سراسری کارگری، گرد آمدنشان حول خواست سراسری کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط های کار و موقعیت کارگران مخابرات برای ایجاد تشکلهای خود و تداوم قدرتمند مبارزاتشان است. تأکیدی بر نقش مهم خانواده های کارگران و اطلاع رسانی از اخبار هر روزه این اعتراضات در تقویت این مبارزات، به عنوان یک بخش خدماتی و جلب حمایت وسیع مردم است. اعتراضات کارگران مخابرات یک الگو است و تا همینجا تجربیات ارزنده ای برای سازمانیابی اعتراضات سراسری کارگری در مقابل کل جامعه قرار داده است. از مبارزات این کارگران و خواست آنها علیه کار پیمانی که خواست بخش عظیمی از کارگران در مراکز وابسته به نفت، شهرداری ها، معلمان، پرستاران و بخش های مختلف جامعه است، وسیعا حمایت کنیم.

## کارکنان پیمانی مخابرات در تدارک ...

از صفحه ۱

کارگران پیمانی مخابرات: ما را از "تعدیل" نترسانید.

در ادامه دو هفته اعتراض و تجمع کارکنان شرکتی مخابرات در مشهد با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به عنوان راهی برای افزایش مبلغی به سطح دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و قرارداد مستقیم با مخابرات و کوتاه شدن دست پیمانکاران، کارکنان شرکتی این سازمان در شهرهای مختلف لرستان، خوزستان، فارس، مازندران، کرمان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و همدان در روزهای دهم و یازدهم به این اعتراضات پیوستند و برای پیگیری این خواستها در مقابل ساختمانهای مخابرات در شهر خود تجمع کردند. کارکنان مخابرات در شهرهای مختلف لرستان برای روز ۱۱ تیرماه اعلام اعتصاب سراسری در این استان کردند و این فراخوان پاسخ گرفت.

در واکنش به سراسری شدن اعتراضات کارگران پیمانی مخابرات و گسترش دامنه آن در روز ۱۱ تیرماه، کارکنان معترض مخابرات از سوی روابط عمومی مخابرات تهدید شدند که در صورت ادامه اعتراضاتشان اخراج میشوند. بنایه روابط عمومی مخابرات با بشرمی تمام تجمع کنندگان مخابرات را که به شرایط برده وار کاری خود اعتراض دارند، «گروه معدودی از کارکنان «خوانده که «گروهها و جناح های سیاسی» هر از چند گاه آنها را به بریایی جمعاعانی «تحریک می نمایند و متذکر شده است که با این که مخابرات «نیاز به این تعداد نیرو به خصوص در بخش پیمانکاری» ندارد، آنها را تاکنون «تعدیل» نکرده است. اما «اگر این روند ادامه پیدا کند و حمایت تعدادی از جریان های سیاسی به تقویت آن منجر شود، این شرکت علی رغم میل خود مجبور (میشود) جمع زیادی از این پرسنل را تعدیل کند. «بعد هم با اعلام اینکه این اعتراضات موجب اختلالی در خدمت رسانی به مردم نشده است، بنایه کوشیده است که مردم را در تقابل با این بخش کارگران خدماتی قرار دهد. این سخنان بیش از هر چیز هراس حکومت را از ابعاد گسترده اعتراضات کارکنان مخابرات، که میتواند الگویی برای اعتراضات سراسری در سطح جامعه باشد، نشان میدهد.

در پاسخ به این بنایه، کارکنان مخابرات با رد نشستن پای هرگونه مذاکره ای با مقامات، با

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

# به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید